

شرحی در باره راه کارهای پیگرد ناقضان حقوق بشر در سطح بین المللی^۱

خلیل رستم‌خانی^۲

فهرست مطالب این مقاله:

انواع صلاحیت قضایی
اهمیت و پایه های قانونی «صلاحیت قضایی جهانی»
چگونه می توان صلاحیت قضایی جهانی را به کار گرفت؟
بعضی نمونه های عملی در زمینه ی صلاحیت قضایی جهانی
آیا صلاحیت قضایی جهانی بیشتر افریقایی ها و جهان سومی ها را مورد پیگرد قرار می دهد؟
مشکلات و چالش ها
نتیجه گیری

انواع صلاحیت قضایی

صلاحیت در چارچوب بحث حاضر به معنای چارچوب مجاز برای رسیدگی دادگاه به یک پرونده است و اگر دادگاهی از صلاحیت برای رسیدگی به موضوع برخوردار باشد، یعنی اختیار قانونی برای بررسی آن موضوع و تصمیم گیری در باره آن مساله را دارد. بعضی از انواع صلاحیت های قضایی^۳ عبارتند از:

۱ - «صلاحیت قضایی سرزمینی» یا کشوری یا محلی آن است که وقتی جنایت در کشوری رخ داده است، دادگاه اختیار دارد آن جنایت را در آن کشور مورد پیگرد قرار دهد.

۲ - «صلاحیت قضایی شخصی» یا مبتنی بر تابعیت، آن است که دولت ها به استناد این که مرتکب یا قربانی جرم، تبعه ی آن کشور است خود را صالح به رسیدگی می دانند.

۳ - «صلاحیت قضایی بین المللی» در اختیار دادگاه های بین المللی مثل دادگاه بین المللی کیفری، دادگاه های ویژه مثل دادگاه بین المللی یوگسلاوی یا دادگاه بین المللی رواندا و غیره است که در چارچوب معین به پرونده ها رسیدگی می کنند. این دادگاه ها معمولاً از طریق سازمان ملل یا در ارتباط با آن تشکیل می شوند.

۴ - «صلاحیت قضایی جهانی» آن است که بر اساس مفاد قانونی موجود در حقوق بین الملل می توان جنایت کاران مرتکب جنایت های مهم بین المللی و ضد حقوق بشر را در هر جای دنیا مورد پیگرد قرار داد، اما این پیگرد در دادگاه های محلی بر پایه ی حقوق بین الملل انجام می شود. «صلاحیت قضایی جهانی» این امکان را فراهم می کند که جنایت کاران در نظام های قضایی کشورهای مختلف مورد پیگرد قرار بگیرند، حتا اگر جنایت در آن کشور رخ نداده باشد یا ارتباط مستقیمی به آن کشور نداشته باشد.

«صلاحیت قضایی جهانی» در اساس برای پیگرد جنایت های مهم بین المللی به کار می رود که به قدری فجیع هستند که بر تمام بشریت تاثیر بگذارند، مثل نسل کشی (یا کشتار جمعی)، جنایت های جنگی، شکنجه در ابعاد وسیع، ناپدید شدن قهری افراد چه به دست دولت ها و چه گروه های دیگر. این نوع صلاحیت از نظر موضوعی مدت زیادی است که در حقوق بین الملل وجود داشته است. در دوران معاصر منشا

آن را می‌توان در کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) دید. اما در سال‌های اخیر این مساله بیشتر از سال ۱۹۹۸ به بعد در گزارش‌های خبری مورد توجه قرار گرفت. در آن سال ژنرال پینوشه، دیکتاتور پیشین شیلی، به همت قاضی گارزون اسپانیایی با استفاده از «صلاحیت قضایی جهانی» در اسپانیا و انگلستان مورد پیگرد قرار گرفت و مدت‌ها در حبس خانگی به سر برد.

اهمیت و پایه‌های قانونی «صلاحیت قضایی جهانی»

پیش از این نهاد‌های حقوق بشری و مدافعان حقوق بشر همواره با استفاده از روش‌های سنتی با انتشار اعلامیه، برگزاری راه پیمایی و فعالیت‌هایی از این قبیل به افشاگری در باره جنایت‌ها می‌پرداختند. اما اکنون «صلاحیت قضایی جهانی» کمک می‌کند تا به روش عملی نیز دست به کار شوند. اکنون نمونه‌هایی در دست است که با به کارگیری «صلاحیت قضایی جهانی» جنایتکاران ضد حقوق بشر محاکمه و به زندان محکوم شده‌اند.

صلاحیت قضایی جهانی در کنوانسیون‌های مختلف مطرح شده است.

الف) **کنوانسیون‌های ژنو.** هر چهار کنوانسیون ژنو این مساله را تصریح کرده‌اند:

دولت امضا کننده متعهد است اشخاصی را که متهم به ارتکاب جرم‌های فاحش هستند و یا دستور ارتکاب چنین جرم‌هایی را داده‌اند، صرف نظر از ملیت شان مورد تعقیب قرار دهد و به دادگاه‌های خود فرا خواند.

یعنی هر دولتی که این کنوانسیون‌ها را تصویب کرده است موظف است متهمان مذکور را مورد پی‌گرد قرار دهد، صرف نظر از این که ملیت متهم چه باشد. افغانستان عضو کنوانسیون‌های ژنو است.

ب) **کنوانسیون ضد شکنجه و رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیرکننده** که در سال ۱۹۸۴ تصویب شده در ماده ۵، در صورت حضور متهمان به اعمال شکنجه در قلمرو کشورهای عضو، این کشورها را موظف به پیگرد متهمان می‌نماید. بر پایه این ماده، کشور عضو اگر نخواهد متهم را به کشور دیگری مسترد کند، باید او را مورد محاکمه قرار دهد. افغانستان کنوانسیون ضد شکنجه را امضا کرده است.^۴

ج) **کنوانسیون حمایت از تمام اشخاص در برابر ناپدید شدن قهری** که در سال ۲۰۰۶ به تصویب رسید در ماده ۹ کشورهای عضو را موظف به پیگرد متهمان حاضر در قلمرو خود می‌کند، مگر این که آنها را به کشور دیگری مسترد کند یا در اختیار یک دادگاه بین‌المللی قرار دهد. افغانستان هنوز به این کنوانسیون ملحق نشده است.^۵ تاکنون ۷۸ کشور جهان آن را امضا کرده‌اند و این کنوانسیون در نوامبر ۲۰۱۰ که بیست و یکمین کشور (برزیل) به آن ملحق شد، لازم الاجرا گردید.

د) **اساسنامه رُم** (دادگاه بین‌المللی کیفری)^۶ به این دادگاه اختیار می‌دهد جنایت‌های مهم بین‌المللی زیر را مورد پیگرد قرار دهد: نسل‌کشی،^۷ جنایت‌های ضد بشریت، جنایت‌های جنگی و تجاوز به سرزمین. تعریف جرم تجاوز به سرزمین (aggression) مورد توافق کشورهای امضا کننده قرار نگرفته و در نتیجه در عمل هنوز نمی‌شود این جرم را در آن دادگاه مورد تعقیب قرار داد.

افغانستان عضو این معاهده است، اما کشورهای مثل آمریکا، ایران، چین و روسیه هنوز به آن نپیوسته اند. بنابراین با وجود اهمیتی که این اساسنامه دارد، هنوز قابل پیگیری در مورد کشورهای غیرعضو نیست؛ چون یکی از مقررات اساسنامه رُم این است که یا باید متهم تابع یکی از کشورهای عضو باشد یا جرم در خاک یک کشور عضو رخ داده باشد یا در خاک کشوری که به طور موقت به این اساسنامه استناد می‌کند. اما اگر شورای امنیت سازمان ملل متحد پرونده‌ای را به دادگاه بین‌المللی کیفری ارسال کند، این محدودیت‌ها مانع پیگرد نخواهند بود.

ه) اصول سازمان ملل متحد در مورد حق داد خواهی قربانیان^۱ از همه کشورها می‌خواهد که مفاد مربوط به صلاحیت قضایی جهانی را در قانون داخلی خود بگنجانند و به نوعی آن را به اجرا بگذارند.

چگونه می‌توان صلاحیت قضایی جهانی را به کار گرفت؟

چند راه برای استفاده از صلاحیت قضایی جهانی وجود دارد:

۱- اساسنامه‌ی رُم تأکید می‌کند که دادگاه بین‌المللی کیفری یک سیستم مکمل برای سیستم‌های قضایی ملی است و پیگرد جنایتکاران در درجه اول باید از طریق دادگاه‌های ملی پی‌گیری شود. بنابراین وظیفه‌ی هر کشور است که صلاحیت قضایی داخلی خود را در مورد مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی به کار بگیرد. بدین لحاظ، راه اول پیگرد متهمان در دادگاه‌های ملی است، با استناد به مفادی از صلاحیت قضایی جهانی که در قانون آن کشور گنجانده شده است. ترجیح بر این است که پیگرد در کشوری انجام شود که جنایت در آن رخ داده است. یعنی نمی‌توان بلافاصله به دادگاه‌های بین‌المللی رجوع کرد و خواهان تعقیب متهمان شد.

اما کشورهای وجود دارند که در آن‌ها نظام فعال قضایی وجود ندارد، بنابراین، نمی‌توان در آن‌ها جنایت‌کاران را مورد پیگرد قرار داد. از سوی دیگر نظام قضایی در بعضی کشورها به خاطر نفوذ افراد مختلف یا نفوذ سیاسی گروه‌های مختلف و یا نفوذ دولت یا دلایل دیگر ناتوان است یا نمی‌خواهد جنایتکاران را مورد پیگرد قرار دهد. مثلاً در شرایطی که قانون عفو در افغانستان تصویب شده است، چگونه می‌توان متهمان را در نظام قضایی این کشور تحت تعقیب قرار داد؟

۲- در این صورت، راه دوم مراجعه به دادگاه‌های کشورهای دیگر است. برای این کار لازم نیست که متهم تابع کشور محل دادگاه باشد یا این که به منافع آن کشور صدمه زده باشد تا در آن کشور بتوان از او شکایت کرد. این شکایت بر پایه مفاد و مقررات صلاحیت قضایی جهانی موجود در قوانین آن کشور انجام می‌شود.

۳- راه سوم و دشوارتر مراجعه به دادگاه بین‌المللی کیفری است. طبق اساس نامه‌ی رُم این دادگاه یک دادگاه مکمل قضایی و تقویتی برای دادگاه‌های ملی است. اما محدودیت‌هایی در مورد مراجعه به این دادگاه وجود دارد از این قرار:

الف) جنایت‌ها باید بعد از ۱ جولای ۲۰۰۲ انجام شده باشد، چون اساس نامه‌ی رُم از آن تاریخ به بعد به اجرا در آمده است. جنایت‌های پیش از این تاریخ را نمی‌توان در این دادگاه پی‌گیری کرد.

ب) جنایت باید در خاک یک کشور عضو اساسنامه انجام شده باشد. مثلاً جنایتی را که در امریکا یا روسیه انجام شده باشد نمی‌توان در دادگاه بین‌المللی کیفری مورد پی‌گرد قرار داد ولی اگر در افغانستان انجام شده باشد می‌توان این کار را کرد.

ج) یا این که متهم باید تابع یکی از کشورهای عضو باشد.

د) شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز می‌تواند وظیفه پیگرد جنایت را به دادگاه بین‌المللی کیفری بدهد. در این زمینه هم مشکلات خاصی وجود دارد و توسل به شورای امنیت برای پیگرد جنایت از طریق دادگاه بین‌المللی کیفری به سادگی ممکن نیست. یکی از دلایل عمده این دشواری، مخالفت فعال امریکا تا کنون با دادگاه بین‌المللی کیفری بوده است. این دولت حتا معاهده‌های دوجانبه معافیت جزایی با بسیاری از دولت‌های جهان منعقد کرده است که ناقض اساسنامه‌ی رُم و دادگاه بین‌المللی کیفری است.

ه) مشکل دیگر این است که منابع مالی و قضایی گسترده‌ای لازم است تا دادگاه بین‌المللی کیفری بتواند به تحقیق در باره‌ی یک پرونده بپردازد. به فرض مثال اگر قرار بر پیگرد پرونده‌ای در باره کشتار جمعی یا نسل‌کشی در این دادگاه باشد، عملیات بسیار گسترده‌ای را باید در پیش گرفت: صدها شاهد و خانواده‌ها و بازماندگان‌شان را به محل دادگاه منتقل کرد، قربانی‌ها را به آنجا منتقل کرد، محل سکونت و امنیت‌شان را تامین کرد، تعداد زیادی مترجم، وکیل، بازپرس، قاضی به کار گرفت ...

۴- پیگرد مرتکبان نقض فاحش حقوق بشر در بعضی موارد و شرایط خاص از طریق دادگاه‌های موقت و ویژه بین‌المللی نیز انجام می‌گیرد، مثل دادگاه ویژه یوگوسلاوی سابق، دادگاه ویژه رواندا و دادگاه‌های دیگر از این نوع. این دادگاه‌ها گاهی و در شرایط خاصی تشکیل می‌شوند و اغلب بر پایه اساسنامه‌های ویژه‌ی مصوب سازمان ملل متحد عمل می‌کنند.

بعضی نمونه‌های عملی در زمینه‌ی صلاحیت قضایی جهانی

با استفاده از صلاحیت قضایی جهانی در عمل نتایجی به دست آمده است و چندین نفر از جنایتکاران محکوم شده‌اند و در زندان به سر می‌برند: برای مثال چند نفر از یوگوسلاوی سابق در آلمان و نروژ، جنایتکارانی از رواندا در بلژیک، جنایتکاران آرژانتینی در اسپانیا، و جنایتکاران موریتانیایی در فرانسه. از افغانستان هم حسام الدین حسام در ۲۰۰۵ و حبیب‌الله جلال‌زوی در ۲۰۰۷ در هلند به اتهام جنایت‌های جنگی محکوم شدند و به زندان رفتند. فریادی سرور زرداد در سال ۲۰۰۷ در انگلستان به اتهام شکنجه محاکمه شد و به زندان رفت و هنوز با اتهام‌های دیگری روبروست.

آیا صلاحیت قضایی جهانی بیشتر افریقایی‌ها و جهان سومی‌ها را مورد پیگرد قرار می‌دهد؟

اخیرا دادگاه بین‌المللی کیفری عمرالبشیر رییس جمهور سودان را متهم به ارتکاب جنایت جنگی و حکم جلب او را صادر کرد. این مساله و موارد دیگر باعث شده که به ویژه افریقایی‌ها این موضوع را بیشتر علیه خود تلقی کنند و بر کشورهای مختلف به خصوص بر فرانسه فشار آورده‌اند که صلاحیت قضایی جهانی را اعمال نکنند.

اگر صرفاً به نمونه‌های دولتی یا پرونده‌های مطرح در دادگاه بین‌المللی کیفری نگاه کنیم، ممکن است به این نتیجه برسیم که تاکنون بیشتر پیگردها متوجه آفریقایان و جهان سوم بوده است. اما نکات دیگری را هم باید در نظر گرفت. اول این که متاسفانه در دهه‌های اخیر آفریقا بارها صحنه‌ی جنایت‌های مهم بوده است. دوم، در میان محاکمه‌هایی که دولت‌ها یا سازمان ملل به خاطر وقوع جنایت‌های مهم بین‌المللی پیگیری کرده‌اند، نمونه‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد جنایتکاران مربوط به یوگوسلاوی سابق، شیلی، آرژانتین و غیره نیز تعقیب و محاکمه شده‌اند، با وجود این که یوگوسلاوی کشوری اروپایی است و دارای فرهنگی که به عنوان فرهنگ مسیحی از آن یاد می‌شود.

این نیز صحیح است که پیگیری و تعقیب متهمان تابع کشورهای قدرتمند کار پیچیده‌تری است که به آسانی ممکن نیست. اما مساله مهمی که باید در نظر داشت این است که بسیاری از این شکایت‌ها از طرف دولت‌ها مطرح و پیگیری نمی‌شود. بلکه سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری این مسایل را پی‌گیری می‌کنند و آن‌ها هم جنایتکاران را صرف‌نظر از ملیت‌شان مورد تعقیب قرار می‌دهند.

یک مثال مهم در این زمینه به پیگرد ژنرال پینوشه، دیکتاتور جنایتکار شیلی مربوط است. او که در سال ۱۹۷۳ در پی کودتایی با حمایت کامل آمریکا قدرت را به دست گرفت و به عنوان یکی از متحدین اصلی آمریکا به مدت نزدیک به سی سال مسئول قتل و شکنجه هزاران نفر بود، در سال ۱۹۹۸ به کوشش قاضی گارزون اسپانیایی در اسپانیا و انگلستان مورد پیگرد قرار گرفت و مدت‌ها در حبس خانگی به سر برد. در خود شیلی که مدت‌ها در مورد جنایت‌ها سکوت برقرار بود بعد از این که پینوشه مورد تعقیب قرار گرفت، راه باز شد تا قربانیان بتوانند به ایجاد کمیسیون‌های حقیقت‌یابی بپردازند. این یکی از نمونه‌هایی بود که نشان داد جنایتکاران نمی‌توانند از تعقیب فرار کنند و باید دیر یا زود پاسخ اعمال‌شان را بدهند.

اما نمونه مهمتر در باره پیگرد شهروندان کشورهای قدرتمند غربی شکایتی است که در سال ۲۰۰۷ فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH) به کمک دو سازمان عضو این فدراسیون، یعنی مرکز حقوق اساسی در آمریکا و مرکز اروپایی حقوق اساسی و حقوق بشر که مقر آن در آلمان است، علیه دونالد رامزفلد مطرح کرد. در اکتبر ۲۰۰۷ یعنی زمانی که دونالد رامزفلد قرار بود در یک کنفرانس سیاسی در پاریس شرکت کند، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر با اطلاع قبلی از سفر او خواهان پیگرد او در نظام قضایی شد و در پی آن حکم جلب رامزفلد صادر شد.

این شکایت به خاطر دستور رامزفلد برای انجام شکنجه در عراق طرح شده بود، زیرا او بر اساس مدارک موجود رسماً شکنجه زندانیان برای کسب اقرار را تایید کرده بود. در آن زمان رامزفلد فقط با پنهان شدن در سفارت آمریکا در پاریس متاسفانه موفق به فرار شد. با فشارهایی که دولت و وزارت امور خارجه‌ی فرانسه وارد آوردند، یک ماه بعد دادستانی فرانسه حکم بازداشت او را باطل کرد. ولی این اقدام باعث تبلیغات فراوان و توانمندسازی قربانیان شد، به این معنا که متهمان به جنایت‌های مهم ضد حقوق بشر نمی‌توانند همیشه از تعقیب معاف بمانند و بالاخره باید زمانی حساب پس بدهند. شاید هم روزی همچون دیگران بتوان او را نیز به پای میز محاکمه کشاند. در حال حاضر شکایت‌های دیگری از رامزفلد در سوئد، اسپانیا، آرژانتین و کشورهای دیگر مطرح است.

در هنگام تنظیم این مقاله برای نشر در این کتاب، در ماه نوامبر ۲۰۱۰ خاطرات جرج بوش در زمان ریاست جمهوری او منتشر شد و او در این خاطرات صدور دستور انجام شکنجه علیه زندانیان «مهم» را تایید و از آن دفاع کرده است. با وجود این که پیشتر هم در کشورهای مختلف شکایت‌هایی علیه بوش مطرح شده است، اکنون به نظر می‌رسد وکلای حقوق بشری با دلایل محکم‌تری می‌توانند از او شکایت کنند. سازمان عفو بین‌الملل نیز در ۱۸ نوامبر با صدور اطلاعیه‌ای خواستار تحقیق و پیگرد قضایی او شده است.^۹

علاوه بر این‌ها، در سال‌های اخیر، نظام قضایی در کشورهای اروپایی به تعقیب آن دسته از ماموران سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) پرداخته‌اند که در ربودن اشخاص در خاک آنها و انتقال آنها به کشورهای دیگر شرکت داشته‌اند. در ایتالیا، با وجود اعمال نفوذ آمریکا و دولت ایتالیا، دادگاه تجدیدنظر بالاخره در دسامبر ۲۰۱۰، ۲۳ مامور سازمان سیای آمریکا را به ۷ تا ۹ سال زندان محکوم کرد. این ماموران در سال ۲۰۰۳ یک پناهنده سیاسی مصری را از خیابان‌های شهر میلان ربوده و او را به مصر فرستاده بودند و او در آنجا تحت شکنجه قرار گرفته بود. یکی از این ۲۳ نفر، رییس دفتر سیا در میلان بود. این ۲۳ نفر در حال حاضر در آمریکا و آزاد هستند و آمریکا حاضر به استرداد آنها نیست، اما آنها در صورت سفر به اروپا با خطر دستگیری و زندان روبرو هستند. در ژانویه ۲۰۰۷، دادگاهی در مونیخ آلمان حکم بازداشت ۱۳ مامور سیا را که در ربودن یک تبعه آلمانی و فرستادن او به زندانی در افغانستان شرکت داشتند، صادر کرد. اکنون در پی افشاگری‌های ویکی-لیکس روشن شده که دولت آلمان در پی فشار دولت آمریکا از درخواست استرداد این ۱۳ نفر سر باز زده است.

نمونه مهم دیگر به اسرائیل مربوط است. اهمیت دولت اسرائیل و اتحاد بسیار نزدیک آن با دولت‌های قدرتمند غربی موضوعی نیست که نیازی به توضیح داشته باشد. دولت‌های غربی عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد مثل آمریکا و انگلستان همواره قطعنامه‌های مربوط به نقض حقوق بشر به دست اسرائیل را وتو می‌کنند. با توجه به این که شکایت‌های زیادی علیه جنایت‌های نقض حقوق بشر در دادگاه‌های اسرائیل مطرح شده ولی مورد رسیدگی قرار نگرفته بود، سازمان‌های بین‌المللی به کمک مرکز حقوق بشر فلسطین شکایت‌هایی را در کشورهای مختلف اروپایی، آمریکا و نیوزیلند مطرح کرده‌اند.

یکی از اینها شکایتی بود که از دُرُن اَلْمُگ ژنرال اسرائیلی در ۲۰۰۵ به خاطر جنایت‌های جنگی در انگلستان مطرح شد و قاضی دستور بازداشت او را داد. زمانی که ژنرال اَلْمُگ قرار بود وارد انگلستان شود، سفیر اسرائیل با او تماس گرفت و به او هشدار داد که از هواپیما پایین نشود، چون افسران پلیس انگلستان با حکم بازداشت در انتظارش بودند. او ناچار با همان هواپیما به اسرائیل برگشت. البته اعمال نفوذ دولت انگلستان باعث شد که افسران انگلیسی برای دستگیری او وارد هواپیما نشوند.

اما این تنها نمونه موفق نیست. در بهار سال ۱۳۸۹، خانم لیونی، که در زمان جنگ در نوار غزه در سال ۲۰۰۹ وزیر خارجه اسرائیل بود، پس از صدور حکم بازداشت در انگلستان ناگزیر از لغو سفر خود به لندن شد؛ متأسفانه این حکم در پی فشارهای سیاسی باطل شد. یک ماه پس از او، یک هیأت عالی‌رتبه از افسران نظامی اسرائیل نیز سفر خود به انگلستان را لغو کرد. در اواخر اکتبر ۲۰۱۰، دان مریدور معاون نخست وزیر اسرائیل نیز از ترس دستگیری در انگلستان از سفر به آن کشور منصرف شد.

مشکلات و چالش‌ها

طرح شکایت بر مبنای صلاحیت قضایی جهانی با چالش‌ها و مشکلاتی روبرو است. یعنی طرح شکایت در یک کشور دیگر امر ساده‌ای نیست. نکات زیر از جمله مواردی هستند که باید برای طرح شکایت در نظر داشت:

- **در کدام کشور می‌توان شکایتی را بر اساس «صلاحیت قضایی جهانی» مطرح کرد و با موفقیت نسبی آن را پیش برد؟** این مساله از اهمیت درجه اول برخوردار است. برای پاسخ به این پرسش باید قوانین کشورهای مد نظر را دقیقاً مورد مطالعه قرار داد. در بعضی کشورها جنایت مشمول مرور زمان می‌شود. مثلاً در آلمان اگر قرار بر طرح جنایت شکنجه باشد، بعد از گذشت ده سال دیگر نمی‌توان شکایت کرد. در بعضی کشورها برای رسیدگی به شکایت، متهم باید در آن کشور حضور داشته باشد. در بعضی کشورها، نظام قضایی با اطلاع از سفر متهم در آینده حاضر است به شکایت رسیدگی کند. در بعضی کشورها قانون اجازه رسیدگی غیابی یا حتا صدور حکم غیابی می‌دهد. اما ابتدا باید دانست که متهم به کدام کشور سفر می‌کند. از قانون آن کشور باید اطلاع داشت. ارتباط مستقیم با سازمان‌های محلی حقوق بشر، وکلا و حقوق‌دانان آن کشور برای طرح شکایت ضروری است.

در بعضی کشورها برای طرح شکایت در مورد جنایت شکنجه امکانات قانونی بیشتری موجود است، اما در بعضی کشورهای دیگر جنایت ناپدید شدن قهری یا جنایت ضد بشریت و جنایت جنگی را بهتر می‌شود طرح کرد. در فرانسه جنایت شکنجه را بر اساس قانون بهتر می‌شود مورد پیگرد قرار داد. در اسپانیا نسل‌کشی و جنایات ضد بشریت را، در آلمان جنایات جنگی و ضد بشریت را، در انگلستان جنایت شکنجه و جنایت ضد بشریت را و الی آخر.

در بسیاری از موارد جنایت یا باید در یک کشور انجام شده و یا با آن کشور ارتباط داشته باشد. اما پیدا کردن ارتباط همیشه سخت نیست. در ژانویه ۲۰۰۹ در کنفرانسی در باره افغانستان در بارسلون اسپانیا، قاضی گارزون اسپانیایی که نامش با تعقیب پینوشه سر زبان‌ها افتاد، در پاسخ به سوالی در باره پیگرد جنایت‌کاران افغانستان گفت: درست است که این قضیه به اسپانیا ارتباط مستقیم پیدا نمی‌کند، اما اسپانیا عضو اتحادیه‌ی اروپا است و در افغانستان نیروی نظامی دارد. بنابراین، زمینه را فراهم کنید، اطلاعات را بیاورید، کارهای لازم را انجام بدهید؛ ما از نظر قانونی می‌توانیم راهی پیدا کنیم که موضوع را مطرح و پی‌گیری کنیم.

- **مصونیت‌های قانونی** یکی دیگر از مشکلات است. طبق قانون دیوان بین‌المللی دادگستری^۱ رئیس یک کشور اعم از رئیس جمهور یا نخست وزیر و وزیر خارجه را نمی‌توان به خاطر جنایت مورد پیگرد قرار داد؛ چون مانع انجام وظیفه‌شان می‌شود. زمانی می‌توان آنها را مورد پیگرد قرار داد که از پست‌شان کنار رفته باشند. البته این موضوع با اساسنامه‌ی دادگاه بین‌المللی کیفری در تضاد قرار دارد. ماده‌ی ۲۷ اساسنامه‌ی رُم می‌گوید همه‌ی مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی را صرف نظر از سِمَت‌شان می‌توان مورد پیگرد قرار داد.

- **داد و ستد و نفوذ سیاسی دولت‌ها** یکی از موانع جدی است. برای مثال، همان‌طور که پیشتر عنوان شد، در اکتبر ۲۰۰۷ قاضی دادگاهی در پاریس حکم بازداشت رامزفلد را صادر کرد. اما در نوامبر همان سال دادستان بر اساس اظهار وزارت امور خارجه فرانسه که این حکم بر روابط فرانسه با امریکا تاثیر منفی می‌گذارد آن را خلاف قانون دانست. استناد دادستانی برای ابطال حکم بازداشت، همان مصونیت مذکور در قانون دیوان بین‌المللی دادگستری بود. اما صرف‌نظر از تضاد مقررات آن قانون با اساسنامه رُم، باید در نظر داشت که دونالد رامزفلد قبلاً وزیر دفاع بود و هیچ‌گاه پُست وزیر خارجه یا رییس دولت را در اختیار نداشت. دوم، در سال ۲۰۰۷ او اصلاً مقام دولتی نبود. با وجود این دادستانی حکم را باطل کرد. در آلمان نیز دادستانی شکایت علیه او را نپذیرفت و حکم بازداشت صادر نشد. اما مرکز اروپایی حقوق اساسی و حقوق بشر در برلین، که عضو فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر است، می‌کوشد مساله را مورد پیگیری قرار دهد.

مثالی دیگر: در سال ۲۰۰۴ دادگاهی در انگلستان با استناد به قانون مورد اشاره در بالا حاضر نشد شکایتی را علیه وزیر دفاع وقت اسرائیل شائول مُفاز بپذیرد. در سال ۲۰۰۳ از تامی فرنکس فرمانده وقت امریکا در عراق شکایتی در کشور بلژیک مطرح شد، اما ناموفق بود. مقر ناتو در این کشور است، و وزیر دفاع وقت امریکا دونالد رامزفلد به صراحت اخطار داد که در صورت پیگیری شکایت، مقر ناتو را تغییر می‌دهند: «بلی، بلژیک کشوری مستقل است و می‌تواند هر تصمیمی که بخواهد بگیرد؛ اما تغییر جای ناتو هم کار سختی نیست و ما می‌توانیم جلسات مان را در جایی دیگر برگزار کنیم.» همین به ظاهر یک جمله باعث شد که چند ماه بعد قانون مربوط به صلاحیت قضایی جهانی در بلژیک تغییر کند و اکنون پیگرد جنایت‌ها بر اساس صلاحیت جهانی در بلژیک مشکل شده است.

اسرائیل هم مدام به کشورهای اروپایی به خصوص آلمان و انگلیس فشار می‌آورد تا شکایت‌های علیه مقامات آن کشور را اصلاً نپذیرند و مورد بررسی قرار ندهند. چه رسد به این که این گونه‌ها شکایت‌ها به نتیجه‌گیری برسد و حکم صادر شود. در شروع نوامبر ۲۰۱۰ در طی سفر ویلیام هیگ وزیر خارجه انگلستان به خاورمیانه و اسرائیل، دولت اسرائیل اعلام کرد که در اعتراض به استفاده از صلاحیت قضایی جهانی در انگلستان گفتگوهای استراتژیک بین دو کشور را معلق کرده است. از قول هیگ نیز نقل شد که او علاقمند به تغییر قانون مربوطه است.

نتیجه‌گیری

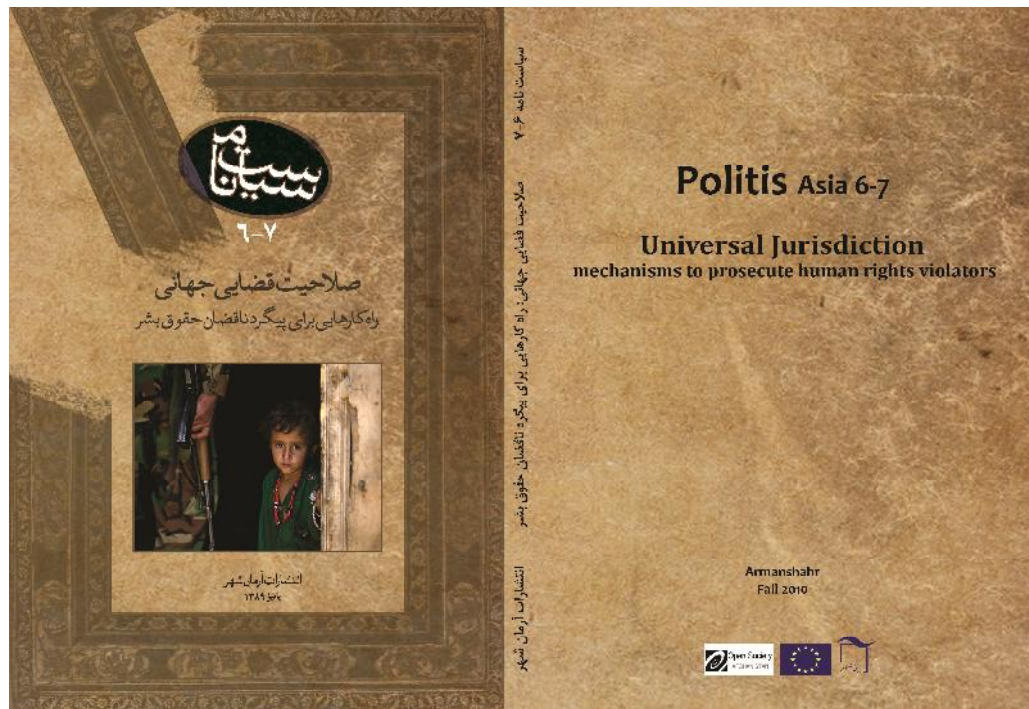
صلاحیت قضایی جهانی موضوعی تازه است که در عمل مدت زیادی از عمر آن نمی‌گذرد. این صلاحیت امکان آن را فراهم می‌کند که به جای راه‌های سنتی مثل افشاگری، اعلامیه و تظاهرات، در دادگاه‌ها به طرح شکایت پرداخت و به نتیجه عملی رسید. اما پیش از اقدام تمام جوانب کار باید با دقت کافی مورد بررسی قرار گیرد. بعضی اقدامات - مثل شکایت از تامی فرنکس در بلژیک - می‌تواند باعث شکست و پس‌رفت مقطعی و از دست رفتن دستاوردهای پیشین گردد و به روند پیگرد جنایتکاران لطمه بزند.

به این دلایل باید دقت کافی و آگاهی سیاسی را به کار گرفت و موضوع را مورد مطالعه‌ی دقیق قرار داد. متهم را باید با دقت کافی انتخاب کرد. هم درک شرایط سیاسی مهم است، هم اطلاع کافی از قوانین کشور

مورد نظر و اوضاع منطقه. زمانی که جرج بوش رییس جمهور بود نمی‌شد او را به دادگاه کشانید زیرا با استناد به قانون دیوان بین‌المللی دادگستری از این کار پرهیز می‌شد. فشاری که امریکا بر تصویب کنندگان اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری می‌آورد مانع دیگری است. بسیاری از کشورها اصلاً حاضر نیستند چنین شکایت‌هایی را پیگیری کنند. اما امروز قانوناً می‌توان این کار را کرد، گرچه موانع دیگری همچون معامله‌ها و دادوستدهای سیاسی چنین کار را دشوار می‌کنند.

در انتخاب اشخاص باید دقت زیادی به خرج داد. همه جنایتکاران ناقض حقوق بشر باید پاسخ‌گوی اعمال خویش باشند. عفو و انصراف از محاکمه یا مجازات آن‌ها تنها از حقوق قربانیان است. دیگران و از جمله دولت‌ها یا سازمان‌های سیاسی از این حق برخوردار نیستند. اما دقت در انتخاب مظنونان برای موفقیت بسیار مهم است. این دقت را فلسطینی‌ها به خوبی به کار برده‌اند. اطلاع از این که فلان ژنرال جنایت کار اسرائیلی چه زمانی وارد انگلستان می‌شود؛ مسیر سفر او کجا است؛ پس از انگلستان به کجا می‌رود؛ قانون کشور بعدی چیست؛ بخش مهمی از این‌ها تنها با پیگیری فلسطینیان فعال حقوق بشر مقدور بوده است. سپس در همکاری با سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری که در تمام کشورهای غربی حضوری نیرومند دارند می‌توان این گونه افراد را به دست عدالت سپرد. فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر با تشکیل یک گروه اقدام قضایی به کمک وکلای حقوق بشری متعدد به شاکیان و قربانیان در موارد و کشورهای متعددی مثل آرژانتین، شیلی، کنگو، موریتانی، رواندا و... کمک کرده تا شکایت‌هایشان در دادگاه‌های اروپایی مثل فرانسه، بلژیک، آلمان و غیره مطرح شود. مرکز اروپایی حقوق اساسی و حقوق بشر در آلمان و مرکز حقوق اساسی در امریکا هم پیگیر این شکایت‌ها هستند.

بنابراین، قوانین کشورها و آیین دادرسی کیفری آن‌ها را باید مورد بررسی قرار داد، روش تنظیم و طرح شکایت را مطالعه کرد، اطلاعات را از پیش کسب کرد، هدف درست را انتخاب کرد، و با سازمان‌های محلی و سراسری حقوق بشر همکاری کرد تا به نتیجه عملی رسید.



جلد سیاست نامه ۶-۷ (ویراستار: خلیل رستم خانی)

^۱ مقاله حاضر با عنوان «صلاحیت قضایی جهانی؛ معرفی، بعضی راه کارها و برخی تجربه ها» در پاییز ۱۳۸۹ در کابل/ افغانستان منتشر شده است. نگاه کنید به کتاب سیاست نامه ۶-۷: «صلاحیت قضایی جهانی؛ راه کارهایی برای پیگرد ناقضان حقوق بشر»؛ ویراستار: خلیل رستم خانی، ناشر بنیاد آرمان شهر در:

<http://armanshahropenasia.wordpress.com/%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA-/%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87>

نگارنده در تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۱۰ گفتاری در باره این موضوع در محل بنیاد آرمان شهر در شهر کابل در حضور عده‌ای از فعالان حقوق بشر و جامعه مدنی ارائه کرد. مقاله حاضر بر پایه‌ی آن گفتار و پرسش‌ها و بحث‌های پس از آن و با افزودن اطلاعات دیگر برای انتشار در «سیاست نامه» تنظیم، تدقیق و تکمیل شد. اکنون، در اینجا چند پی نوشت افزوده و بعضی اصلاحات جزئی انجام داده ام.

شاید باید توضیح بدهم که کتاب سیاست نامه (بنیاد آرمان شهر) به هیچ عنوان ارتباطی با وبگاهی به همین نام در ایران یا وبلاگ هایی به این نام ندارد.

^۲ عضو افتخاری انجمن قلم امریکا و کانادا، و همکار بنیاد آرمان شهر

^۳ در این زمینه، در بعضی مقاله‌های دیگر این مجموعه اطلاعات تکمیلی وجود دارد.

^۴ ایران نیز عضو این کنوانسیون نیست.

^۵ ایران نیز عضو این کنوانسیون نیست.

^۶ در متن‌های مختلف به فارسی، به این دادگاه با عنوان‌های دیگری هم اشاره شده است، از جمله: دادگاه بین‌المللی جنایی، دادگاه بین‌المللی جزایی،

دیوان بین‌المللی کیفری. منظور از همه این عنوان‌ها (ICC) International Criminal Court است. به علاوه نگاه کنید به پی نوشت آخر همین

مقاله. دادگاه بین‌المللی کیفری از سال ۱۹۹۸ و در پی تصویب اساسنامه رُم تشکیل شده و از سال ۲۰۰۲ رسمیت اجرایی یافته است.

^۷ ژنوسید یا جنوساید (genocide) در ریشه خود به معنای قوم‌کشی است، عده‌ای از حقوق دانان از نگاه تعریف این جنایت در حقوق بین الملل به استفاده از معادل «کشتار جمعی» یا «کشتار دسته جمعی» باور دارند. استفاده از واژه «نسل‌کشی» نیز کاملاً رایج است.

^۸ *Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law;*
<http://www2.ohchr.org/english/law/remedy.htm>

^۹ کتاب سیاست نامه شماره ۶-۷ در پاییز ۱۳۸۹ منتشر شد. پس از آن، در ۱۸ بهمن ماه ۱۳۸۹ (۷ فوریه ۲۰۱۱)، جرج بوش ناگزیر شد سفر خود به سویس را لغو کند و از سخنرانی در آن کشور صرفنظر نماید، زیرا گروه‌های حقوق بشر با اطلاع از برنامه او، از وی به اتهام صدور دستور شکنجه زندانیان در گوانتانامو به دادگاه‌های سویس شکایت کرده و خواستار پیگرد شده بودند.

^{۱۰} منظور International Court of Justice (ICJ) است که در سال ۱۹۴۵ تشکیل شده و یکی از ارگان‌های سازمان ملل است.